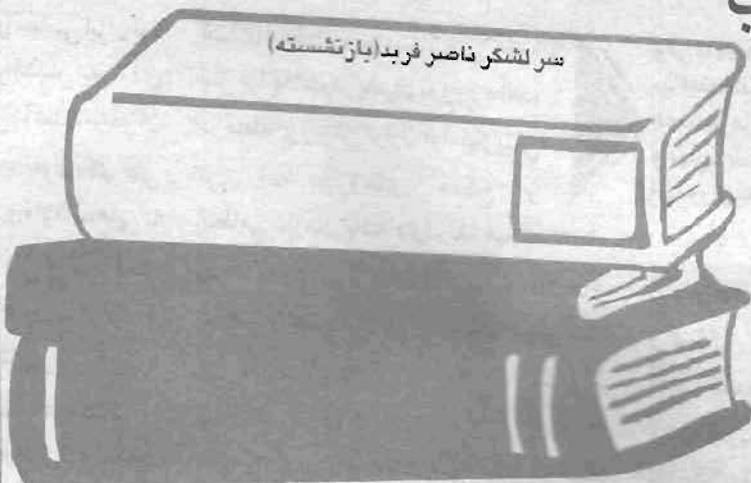


سر لشکر ناصر فرید (بازنشسته)



# ناگفته‌هایی از زندگی سپهبد قرنی

یا علل فروپاشی ارتش

(بحرین) جزایر غصب شده (تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی) را باز پس گرفت و تسلط ارتش ایران در منطقه خلیج فارس، دریای عمان و میانه‌ی اقیانوس هند، توازن کم نظیر قوا را به وجود آورد.

**۲- خروج شاه و ریزش موزان قدرت در منطقه**  
در ماه‌های آخر سال ۱۳۵۷ خورشیدی، اکثر آگاهان می‌دانستند که شاه قصد ماندن در کشور را ندارد و مقدمات سفر به خارج را برای همیشه فراهم می‌سازد، حتی چشم انداز سیاست خارجی کشورهای غربی حامی شاه، به وضوح، معطوف به جرات دادن به مخالفان شاه به منظور

سال‌هاست موجبات دخالت و رقابت آنان را در این ناحیه فراهم ساخته است. به نحوی که روند تاریخی مان، دست خوش تحولات ناگوار ایجاد توازن قوا یا ریزش‌های مکرر آن گردیده است.

می‌دانیم حفاظت و امنیت منطقه خلیج فارس، چنان که در ماهنامه شماره ۳ و ۴ ایران مهر ۱۳۸۲<sup>۱</sup> به تفصیل نگاشته شد، پس از خروج نیروهای امپراتوری انگلستان در پایان سال ۱۹۷۱ میلادی، توجه سریع سایر کشورهای ذی نفع بویژه کشور آمریکا، فاتح جنگ جهانی دوم را به درک اهمیت موضع جغرافیایی ایران جلب نمود و با هم آهنگی رژیم شاه مسئولیت خطیر امنیت منطقه در عهده کشور



ایران قرار گرفت و رژیم با تقویت بنیه اقتصادی و نوسازی ارتش با ارائه قدرت برتر نظامی، حکومت عراق را ناگزیر به عقد قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر کرد و با تأمین استقلال

حل مساله جزایر ایرانی خلیج فارس و بسیاری از مشکلات کنونی کشور بستگی قطعی به تجدید نظر ریشه‌ای به استراتژی کلان کشور و انتخاب راهبردهای منطقی و موجه امنیت ملی، توأم با جبران مافات در باره ناکارآمدی‌های ربع قرن گذشته و احقاق کامل حقوق از دست رفته‌ی ایران در منطقه و ایجاد اعتبار سیاسی شایسته در صحنه گسترده بین‌المللی دارد

## ۱- مقدمه

ضمن بررسی موقعیت خلیج فارس در منطقه به دفعات نگاشته ام و اینک تکرار آن ضرورت دارد که:

- عدم توانایی کشورهای ساحلی در حراست و برقراری امنیت در منطقه مهم استراتژیک خلیج فارس و هم چنین ناکارآمدی بینش سیاسی در استقرار روابط معقول با کشورهایی که منافع ضروری در منطقه دارند.

آقای بازرگان با اشاره به ناکارآمدی ستاد کل ارتش در انسجام نیروهای مسلح و عدم هم آهنگی با تدبیر و سیاست‌گذاری دولت، نا آگاهی از معیارهای امنیت ملی و خشونت نظامی در کره‌دستان، تغییر ریاست ستاد کل را ضروری دانسته و انتصاب مرا به ریاست ستاد کل اعلام داشت.

تغییرات متناسب در صحنه‌ی سیاسی ایران بود و با این دریافت فعالان دگر اندیش به زودی تاثیر گذار در ایجاد دگرگونی‌ها شدند و در آن شرایط، شاه نیز به رجال مطرود چون دکتر علی امینی، عبدالله انتظام رو آورد و ملاقات‌هایی با دکتر سنجابی (دبیر کل جبهه ملی ایران) و دکتر صدیقی از سران جبهه ملی صورت گرفت و پس از عدم قبول آنان، دکتر شاپور بختیاری به عنوان نخست وزیر مسئولیت اداره کشور را پذیرفت و شاه را وادار به خروج از ایران نمود. و می‌خواست شرایطی به وجود آورد که بتواند جمهوری اعلام نماید. دکتر بختیار از توانایی لازم جهت بر آوردن آنچه در ذهن داشت برخوردار نبود.

امرا ارتش بی انگیزه در سپیده دم شب ۲۲ بهمن ۵۷ در پی شورش تعدادی از پادگان‌ها و پایگاه‌ها و علیرغم اعلامیه بی طرفی ارتش که تا حدی مشکوک بود متلاشی گردید. بختیار که نتوانسته بود به هدف خود یعنی اعلان جمهوری نائل شود. از ایران فراری شد.

### ۳- تلاش غیر موثر در استقرار مجدد ارتش

در صبح روز ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ با پیامی از طریق مهندس بازرگان، افسران جناح نظامی ما در معیت داریوش فروهر، وزیر کار، تیمسار قرنی، اولین رییس ستاد کل به منظور پایدار ساختن مجدد هر چه سریع تر نیروهای مسلح به محل کارشان هدایت گردیدند و در همان روز به اتفاق آرا تصمیم گرفته شد که کلیه امراء فرماندهان و روسای سازمان‌های نظامی به ستاد کل احضار و پس از بررسی سریع در محل‌های سازمانی خود مستقر گردیده و به ترمیم یگان‌ها و موسسات خود پردازند و چنان که نگاشته شد، ملاحظه گردید که ریاست ستاد علیرغم تصمیمات، راهکارهای دیگری رابه کار گرفته اند که به کلی مغایر با احیای دوباره بنیادین ساختار ارتش به عنوان اهرم قدرت ملی و عظمت کشور می‌باشد، گویی الفا کنندگان راهکارهای اضمحلال ارتش باور نداشتند که

امنیت، استقلال و تمامیت ارضی کشور پس از انقلاب در بحران به وجود آمده در منطقه و ریزش توازن قوا، نیاز بیش تری به نیروهای مسلح و انتظامی سازمان یافته دارد، لذا هیات

جناح نظامی ملی که تذکرات و اخطارهای شفاهی و کتبی شان مورد عنایت رییس ستاد قرار نگرفت، با نگرانی و با اطلاع نخست وزیر ستاد کل را ترک کردند.

از آن پس، به مدت چهل روز که انتظار شیفتگان قدرت و وطن در رویت دوباره‌ی عظمت ارتش به نوبدی می‌گرایید و قاطبه‌ی سیاست مداران خارجی در حیرت غیبت ارتش ایران به سر می‌بردند، به دفتر نخست وزیر احضار شدم

آقای بازرگان با اشاره به ناکارآمدی ستاد کل ارتش در انسجام نیروهای مسلح و عدم هم آهنگی با تدبیر و سیاست گذاری دولت، نا آگاهی از معیارهای امنیت ملی و خشونت نظامی در کردستان، تغییر ریاست ستاد کل را ضروری دانسته و انتصاب مرا به ریاست ستاد کل اعلام داشت.

ج- از همان روز نخست حضور در دفتر ستاد کل (ششم فروردین ۱۳۵۸) دریافتیم که انهدام ساختار اداری کشور با برکنار نمودن کارگزاران تجربه اندوخته و سازنده‌ی کشور و از آن مهم تر، فروپاشیدن ارتش مجهز و منظم ایران و اعدام، زندان، بازنشسته کردن کلیه‌ی امرای کاردان و افسران ارشد نیروهای مسلح، موجب شده است که نه دولت موقت از انسجام و تمرکز قدرت لازم برخوردار است و نه ستاد کل ارتش چون گذشته سامان منسجمی برای برقراری و هدایت ارتش به منظور حفظ استقلال و عظمت کشور و امنیت منطقه را دارد.

### ۴- ستاد کل ارتش تا بهمن ماه ۱۳۵۷

الف- ستاد ارتش تا قبل از انقلاب، همواره به ریاست ارشدترین امیر با درجه‌ی ارشدی و هشت سپهبد کاردان به عنوان معاون و

ولی با دسترسی به کتاب مستندی به نام «تأملته‌هایی از زندگی سپهبد قرنی» که به همت سرهنگ احمد نوروزی فرسنگی با حذاقت و مهارت شایسته‌یی تالیف یافته است، وقایع آن دوران به گونه‌ی مستندی مطرح می‌گردد:

روسای هفت گانه‌ی ستاد و هم چنین ده‌ها امیر و افسران ارشد با تخصص بالای رسته‌ی، هم آهنگ کننده و هدایت گرانوهرهای سه گانه‌ی «زمینی، دریایی و هوایی» بودند که با معیارهای ساختاری ارتش پیشرفته، به عنوان یکی از مهم ترین اعضای سازمان پیمان مرکزی (ستو) با موافقت نامه‌های دو جانبه دفاعی با ارتش‌های ترکیه و پاکستان، سازمان دفاعی پر قدرتی را در خاورمیانه به وجود آورده بودند.

ب- نیروی زمینی ارتش تا بهمن ماه ۱۳۵۷ نیروهای زمینی ارتش با ترکیبی از سه قرارگاه (سپاه) و به فرماندهی سه سپهبد برگزیده در مراکز متناسب کشور استقرار داشتند.

تنها قرار گاه یکم و سوم کشور که استان‌های «اذربایجان، کردستان، کرمانشاه و خوزستان» را در بر می‌گرفت، با استقرار مواضع مناسب دفاعی متشکل از سه لشکر سنگین زرهی، دو لشکر پیاده‌ی مکانیزه و یک لشکر کوهستانی

نه فقط جناح راست سازمان عظیم پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) از مرکز شرقی ترکیه تا سواحل دریای خزر را در مقابل تهدید نیروهای مسلح شوروی در قفقاز سد می‌نمود، بلکه در عمق ارتفاعات غربی ایران (زاگرس) تا راس خلیج فارس را از اختلال گری‌های عراق مصون داشته بود و چنانچه پیش تر اشاره شد، امنیت جریان نفت خلیج فارس در دریای عمان تا میانه‌های اقیانوس هند زیر پوشش و تسلط نیروهای هوایی و دریایی چنان ارتشی قرار داشت.

با آن قیاس در حالی که در صدد درک انگیزه و علل آن بی بنیاد سازی‌ها بودم و در پی راهبردی برای جبران آن ناکارآمدی‌ها می‌گشتم، سرهنگی بنام فروزان بدون رعایت

معیارهای انضباطی وارد دفتر شد و اظهار داشت:

خواستم از همین امروز اطلاع بدهم که ساماندهی ارتش به عهده‌ی ماست و حواس تون جمع باشه حرکتی بر خلاف نکنید. - با کنجکاوی پرسیدم: شما چه موضعی در ستاد دارید؟

پاسخ داده شد: ما کمیته‌ی مشاوره‌ی اجرایی ستاد هستیم و من مسئول کمیته هستم.  
- با شنیدن واژه‌ی «کمیته» یعنی پدیده‌ی بی‌نظهور که عناصر ناشناخته‌ی آن نه تنها در ظرف چهل روز، رسمیت قانونی دولت موقت منتخب اکثریت ملت را که با تایید آقای خمینی تشکیل یافته بود، زیر پا گذاشته، بلکه با ایجاد اختلال فضای اجتماعی را به سوی نوعی اغتشاش و بی‌بند و باری سوق داده بودند و در شگفت بودم چه گونه چنین پدیده‌ی بی‌سابقه و زائیدی در درون ارتش که بنیاد آن بر اصل سلسله مراتب فرماندهی شکل گرفته و کادر آن بر اساس تخصص، تجربه، شایستگی و قدمت خدمت تعیین میگردد، اینک چند افسر کم تجربه و گمنام ناشناخته، تحت عنوان «کمیته» در بالاترین رده‌ی هدایت کننده ارتش بزرگ منطقه رسوخ یافته اند!

- روز بعد با دریافت گزارش افسر اطلاعات یقین کردم که «تیمسار قرنی» روند تدبیرشان تحت تاثیر القانات آن «کمیته» بوده است. در نگارشات قبلی از بحث در مورد «کمیته» مزبور خودداری می‌کردم، ولی با دسترسی به کتاب مستندی به نام «ناگفته‌هایی از زندگی سپهبد قرنی» که به همت سرهنگ احمد نوروزی فرسنگی با حذاقت و مهارت شایسته‌ی تالیف یافته است، وقایع آن دوران به گونه‌ی مستندی مطرح می‌گردد:

#### ۵- سازمان ستاد کل ارتش در اسفندماه ۱۳۵۷

سازمان ستاد کل ارتش، (برگرفته از مصاحبه با مسئولان و فرماندهان نظامی که در روزهای نخستین انقلاب با شهید قرنی ارتباط داشته اند)<sup>۵</sup>

مندرج در کتاب «ناگفته‌هایی از زندگی سیاسی قرنی»

الف مصاحبه با سرهنگ حسن علی فروزان<sup>۶</sup>

س: روزهای بحرانی شروع انقلاب... ساماندهی ارتش... به عهده‌ی کمیته‌ی مشاورتی بود که... مسوولیت آن بر عهده‌ی شما بود... خواهیم دید که خاطرات خود را از آن حال و هوا بر ایمان بفرمایید.

ج: من و شهید اقارب پرست (سرگرد) و سرگرد شریف نسب... در روز ۲۲ بهمن در مدرسه‌ی علوی بودم... من به منزل رفتم بعد از ظهر به من اطلاع دادند و گفتند برو. کمیته‌ی نظامی را در ستاد ارتش تشکیل بدهید که من کار خود را با شهید اقارب پرست و سرگرد شریف نسب آغاز کردم. روزیست و سوم بهمن تقریباً هم زمان با شروع مسوولیت ایشان (شهید قرنی) ماهم وارد ستاد کل ارتش شدیم.

ب- مصاحبه با سرهنگ بازنشسته سید محمد علی شریف نسب

ج: پس از پیروزی انقلاب که ایشان (شهید قرنی) در ستاد مشترک مستقر شدند، ما نیز اولین تیم نظامیان بودیم که... به ستاد مشترک آمدیم... اینکه یک گروه آمادگی همکاری با وی (شهید قرنی) را دارند خوش حال شد به ما گفت در چند قدمی دفتر من محل کار خود را تشکیل دهید و من راهمرا می‌کنیم... رابط آن کمیته و دفتر سرلشکر قرنی، در آن موقع من خودم بودم.

#### ۶- ساختار نیروهای مسلح ارتش

در اسفندماه ۱۳۵۷

مصاحبه با سرهنگ محمد مهدی

کمیته:

س: بیان بفرمایید چگونه شد با درجه سرگردی در بهمن ماه ۱۳۵۷، فرماندهی لشکر ۲۸ را پذیرا شدید؟

ج: با عنایتی... که ستاد ارتش نسبت به اینجانب داشتند، با درجه‌ی سرگردی به عنوان فرماندهی لشکر ۲۸ سندج منتخب شدم، در صورتی که روز قبل یک سرلشکر و یک سرتیپ در راس لشکر بودند و لشکر هم خیلی گسترده بود... تا آن زمان عرف نبود که یک سرگرد فرماندهی لشکر باشد، خصوصاً که افسران ارشد تر از من حضور داشتند و زیاد هم بودند.

#### ۷- ساماندهی ارتش و استراتژی امنیت ملی

در اسفندماه ۱۳۵۷

الف- ساماندهی ارتش و طرح استراتژی امنیت ملی، بنابر فرآزهایی از اعتراضات مستند ساماندهان مندرج در سطور، بالا، به وضوح روشن ساخت که جایگزین کردن چند افسر جزء به نام «کمیته» به جای امرای برگزیده در ستاد کل ارتش تا بهمن ۱۳۵۷ و گماردن فرماندهانی با درجه‌ی سرگردی در قرارگاه سپاه و ارتش به جای امرای کاردانی در رده‌ی سپهبدی و سرلشکری در منطقه‌ی غربی حساس کشور، چگونه پدیده‌های ناخواسته زیرین را به وجود آورد:

۱- فروپاشی ساختار بنیادین ارتش سامان یافته ایران

۲- افت تطابق سیاست معقول (ژنواستراتژی) ایران در منطقه

۳- شکست استراتژی کارآمد امنیت ملی

۴- سقوط تسلط کم نظیر قدرت نظامی ایران در منطقه‌ی خلیج فارس و ابراه عظیم آن

۵- ریزش توازن قوا در منطقه خاورمیانه

۶- اتروای مطلق کشور مقتدر ایران در منطقه و جهان

ب مصلحت آن بود که در همان چند روز نخست انقلاب بنا بر پیشنهاد افسران جناح ملی، با تأیید بر پیشینانی از اراده‌ی ملت که در ستاد

بدون تردید تمام مصائب ملی منقلب می‌شده پس از انقلاب، نتیجه‌ی مستقیم حذف غیر موجه قدرت ارتش ایران به عنوان پرچم دار امنیت و عظمت ملی و ایجاد تعادل قوا در منطقه حساس خاورمیانه بود

کل حضور یافتند ریاست ستاد کل دستور ادامه خدمت اکثر آنان را صادر می نمود و در مورد چند یگان کوچک نظامی پرورش یافته برای دفاع مرزهای کشور در مقابل تهدید خارجی که فرمان نسنجیده شاه به جای پلیس ضد شورش رودررو مردم قرار داده شده بود، دستور رسیدگی صادر می شد تا بقای ارتش و نیروهای سامان یافته که در بحرانی تر شدن شرایط کشور نیاز بیش تر به آنان بود، حفظ می گردید، ولی بنا به اعترافات زیر بر سامان دهندگان (کمیته) آن نیت و پیشنهادات را با مصلحت انقلاب همگن ندانستند.

ج مصاحبه با سرهنگ حسن علی فروزان. " روز بیست و سوم بهمن، تقریباً هم زمان با شروع مسئولیت ایشان (سرلشکر قرنی) ما هم وارد ستاد کل ارتش شدیم و متوجه شدیم اطراف ایشان را افسران نامطلوب... احاطه کرده بودند و خود را کمیته نظامی معرفی می کردند، حتی صدا و سیما هم با آن‌ها در آن موقع هم سو بود و این عنوان را برای آنان تبلیغ می کرد، من و دوستانم با صبر و حوصله این کمیته‌ی قلابی را از صحنه بیرون کردیم

د مصاحبه با امیر سرتیپ مصطفی طوطیایی: "

روز ۲۳ بهمن که شهید قرنی مسئولیت ریاست ستاد ارتش را عهده گرفت، گروهی از افسران که سابقه‌ی آشنایی و احتمال «مبارزاتی» با ایشان داشتند، به عنوان کمیته نظامی انقلاب به ریاست ستاد معرفی شده بودند و رسانه‌های گروهی آنان را به همین عنوان معرفی می کردند، از طرفی کمیته رسمی انقلاب در ارتش به سرپرستی جناب سرهنگ فروزان... با آغاز مسئولیت شهید قرنی در ستاد بود. دو کمیته در کنار شهید قرنی بودند (کمیته‌ی تحمیلی کمیته رسمی) بدیهی بود که افراد معرفی شده از سوی کمیته تحمیلی صلاحیت لازم را نداشتند. هم زمان یک نفر توسط کمیته بی که مسئولیت آن بر عهده‌ی سرهنگ فروزان بود، معرفی می شد که واجد شرایط بود و این مشکل

به ما در مدرسه رفاه منتقل می شد، ما با هم فکری «کلاهدوز» و محمد منتظری آن مشکل را بر طرف می کردیم و افراد موجه عهده دار مسئولیت نظامی می شدند.

### ۸- تدبیر من به عنوان دومین رییس ستاد کل ارتش در مقابل مشکلات اشاره شده در سطور بالا

الف- بدون تردید تمام مصائب ملی منطقه بی حاصل شده پس از انقلاب، نتیجه‌ی مستقیم حذف غیر موجه قدرت ارتش ایران به عنوان پرچم دار امنیت و عظمت ملی و ایجاد تعادل قوا در منطقه‌ی حساس خاورمیانه بود و من به عنوان سربازی که برخورد عملی با آن واقعتاً داشته و قبول مسئولیت رسمی ایجاد امنیت در کشور و احیای مجدد ارتش و نیروهای انتظامی را نموده بودم. ابتدا در اولین ماه سال نو (فروردین ۱۳۵۸) در غیبت امرا و فرماندهان تجربه اندوخته با تلاش شبانه روزی پاره بی از افسران جوان روحیه باخته تشکیل نسبی نیروهای مسلح، ارتش را در روز ۲۹ همان ماه به مردم کشور و خبرنگاران خارجی عرضه داشتم که آن روز به نام روز ارتش، یادآور تجدید حیات ارتش، همه ساله با مراسم ویژه خاطر نشان می شود و در همان حال علیرغم نیت مداخله جویان، تدابیر خود را در مقابل مشکلات موجود به منظور برقراری امنیت ملی به صورت زیرین به کار گرفتم:

- ۱- آرام سازی کانون‌های اغتشاش و فراهم سازی زمینه‌ی مذاکره با نمایندگان دولت
- ۲- دعوت از نهاد‌های سیاسی- مذهبی کردستان به تهران و اعزام برگزیدگان دولت به آن منطقه برای رفع اختلاف
- ۳- اطمینان بخشیدن به زمامداران کشور عراق به حس همجواری و روابط حسنه بنابر مفاد عهد نامه الجزایر (۱۹۷۵)

نحوه اجرای تدابیر مذکور و انعکاس کنش و واکنش آن به تفصیل در رسانه‌های آن زمان

آن فضای بی سامانی‌ها و ضعف نیروهای مسلح، موجبات تحریک کشور عراق را با تمسک به داعیه‌ی ایران به صدور انقلاب فراهم آورد و صدام حقارت کشیده از عقد قرار داد الجزایر در ۱۹۷۵ جرات تجاوز به خاک ایران را پیدا نمود

مندرج است و به منظور یاد آوری حقایق تاریخی، شرح مختصر آن وقایع مجدداً ضمن دو مقاله در ماهنامه ایران مهر منتشر گردیده است "و بررسی آن را به شیفتگان درک وقایع دوران زمامداری دولت موقت جلب می نماید. در آن مقالات هم چنان اشاره شده است که در دوران کوتاه قبول مسئولیت که با تلاش افسران مورد عنایت مردمی در بازسازی نیروهای مسلح و گماردن فرماندهان شناخته شده‌ی ملی در نیروهای نظامی نه تنها در نهاد دل‌های نگران امنیت ملی و استقلال کشور آرامشی به وجود آورد، بلکه دولت موقت از قدرت نظامی و انتظامی موجهی برخوردار گردید.

ولی عناصر «کمیته» و هم فکران آنان در مدرسه رفاه، آن تلاشگران و فرماندهان را فاقد صلاحیت می دانستند و با عقیم سازی پیشرفت اجرای تدابیر و رسوخ در ذهنیت بعضی کارگزاران چنان چه خود به صورت زیرین اعتراف کرده اند، موجباتی کناره گیری من و سپس سایر افسران منتخب را فراهم آوردند.

ب - مصاحبه با سرهنگ حسن علی فروزان:

من همان روز اول، خط مشی اجرایی کمیته مشاوره ستاد را به فرید دادم که حواسش جمع باشد و خلاف مصلحت نظام حرکتی نکند و بالاخره آب من با فرید در یک جو نرفت و خدا رحمت کند شهید نامجو که «شاکر» را معرفی کرد. (ص ۲۳۷، کتاب ناگفته‌هایی از زندگی سپهبد قرنی)

### ۹- نتیجه:

الف- به زودی مشاهده شد که چند افسر به اصطلاح واجد شرایط جایگزین افسران تصفیه

شده به جرم در اختیار گذاردن طرح‌های بازسازی نیروی دریایی و زمینی و سیله «کیانوری» به سفارت شوروی دستگیر و اعدام شدند.

ب- نا کارآمدی همگرایی با اقوام و اقلیت‌ها و اعمال خشونت با آنان بویژه نیروکشی و سرکوب در کردستان نحوه موضع گیری ارام بخش گام به گام دولت موقت در استراتژی امنیت ملی را که هیچ گونه سنخیتی با رادیکالیسم نداشت، به زوال کشید.

ج- با تعدد مراکز تصمیم گیری و حادثه جویی‌های فرصت طلبان در غیبت نیروهای انتظامی انقلاب در مسیر حدت گرای سوق داده شد

د- با اشغال سفارت ایالات متحده آمریکا، نبض دولت موقت از کار افتاد.

ه- و از همه بالاتر، آن فضای بی سامانی‌ها و ضعف نیروهای مسلح، موجبات تحریک کشور عراق را با تمسک به داعیه‌ی ایران به صدور انقلاب فراهم آورد و صدام حقارت کشیده از عقد قرار داد الجزایر در ۱۹۷۵ جرات تجاوز به خاک ایران را پیدا نمود و با ایجاد صحنه‌ی جنگ در سرزمین بزرگ ایران و ویران سازی غرب کشور، توأم با گسترده ترین خسارات مالی و جانی هزاران پیر و جوان ایثارگر در ایران هشت سال جنگ فرسایشی را به کشور عظیم ما تحمیل کرد و به قول او پدیده تاریخی دومین (قادسیه) را به وجود آورد و به منظور جایگزین کردن قدرت خود به جای ایران ویران شده در منطقه خلیج فارس با ترتیب دادن صلح فرمایشی، مغرورانه ضمن اشغال، که سبب به امید از دیاد منابع نفتی و نیروهای عظیم غربی را به منطقه باز نمود و موجبات تغییرات شگرفی را در خاورمیانه فراهم ساخت که تاکنون با عواقب ناگوار آن به سر می‌بریم و هم‌اینک در شرایطی که مرزهای خاکی کشورمان از هر گونه تهدید بالفعل مصون است، نیروهای مسلح غرب به سرکردگی آمریکا با حضور در سراسر منطقه بویژه حوزه خلیج فارس، امکان اتخاذ هر تصمیمی به منظور تأمین

امنیت منطقه از کشورهای ساحلی سلب شده است و در این میان علاوه بر تضمین حقوق ایران در خلیج فارس، ضمن تحریکات پشتیبانی شده‌ی ادعای مشکوک پاره‌ی بی از شیخ نشین‌های ساحلی را راجع به جزایر مهم «ابوموسی و تنب‌های بزرگ و کوچک» متعلق به ایران که تسلط استراتژیک به تنگه هرمز دارند، علم ساخته اند و بدین ترتیب مقدمه مشکوکی از یک تهدید بالقوه طراحی شده را متوجه امنیت ملی کشورمان نموده‌اند.

و- توجه به جنگ‌های برق آسای قرن فعلی چون توفیق کشور کوچک اسرائیل در خنثی سازی تهاجم چهار کشور عربی در ظرف شش روز و قبولاندن مفاد عهده نامه الجزایر ۱۹۷۵ به کشور عراق صرفاً با ارائه قدرت برتر نظامی ارتش ایران، ارتشی که با تلاش پنجاه سال از قشونی با دسته‌های مختلف به صورت ارتش منسجم و متحدالشکل در آمد و با تحکیم حاکمیت، کشور را از دوران ملوک الطوائفی قاجار و اشغال بیگانگان در جنگ دوم بیرون آورد

ز- این نشان آن است که چگونه ویران سازی آن ارتش در روزهای نخست انقلاب موجب شد که کشور کوچک عراق به مدت ۸ سال جنگ فرسایشی و خسارات گسترده‌ی بی را در سرزمین ما پدید آورد و مسلم ساخت که بدون چنان ارتش کشور نمی تواند توازن منطقه‌ی، تمامیت ارضی و استقلال خود را حفظ نماید و پس از جنگ تصمیم گرفته شد که با هزینه هنگفتی از درآمد ملی، در صدد احیای نیروهای مسلح بر آیند.

ه ل دیده شد آن‌ها: نه‌ها به حاء، با ساز، ارتش بالقوه سنتی ایران مصرف پدیده بی به نام، «سپاه» می گردد که با معیارهای ساختاری متداول امروزی، چون وجود یک ارتش با تجهیزات سنگین به منظور دفاع در مقابل تهدید خارجی و نیروی انتظامی (شهربانی - ژاندارمری) با سلاح سبک و ویژه منطبق نیست. بدین سان ضمن تفرقه هزینه دفاع ملی در دو سازمان نیروهای مسلح به صورت دسته بندی رنگارنگ مختلف شکل گرفته است که هدایت

کاربردی مشترک آنان به سوی دفاع احتمالی کشور از تهدید خارجی را مبرر شناخته شده‌ی ندارد و به فرض محال این گونه ساختار احتمال تضاد در کردار را متصور می‌سازد.

تنگه‌ی هرمز کانال باریک و منحنی شکلی است که خلیج فارس را به اقیانوس هند متصل می‌سازد. در مسیر طولی تنگه‌ی هرمز جزایر ایرانی لارک، قشم، هنگام، تنب بزرگ و ابوموسی که با یک منحنی می‌توان آن‌ها را به هم متصل نمود. از برترین موقعیت استراتژیکی برای حفاظت از تنگه‌ی هرمز برخوردارند. از آن جا که این جزایر با فاصله‌ی کم از یک دیگر قرار دارند، آشکار می‌سازد که این جزایر تا چه حد می‌توانند برای ایران از نظر موقعیت نظامی واجد اهمیت باشد، به همین دلیل هر قدرت دیگر در خلیج فارس تلاش در تصاحب این جزایر دارد و اگر ما سیاست قاطعی در رابطه با این جزایر اتخاذ ننمایم، با مشکلات سنگینی روبرو خواهیم شد و پیشگیری از این مصیبت تاریخی، مستلزم احیای مجدد قدرت ایران در منطقه و حوزه خلیج فارس می‌باشد.

### بی نوشت‌ها:

- ۱- مجله کهکشان شماره‌های ۲۲-۲۳ آبان و آذرماه ۱۳۷۱، روزنامه پیام آزادی ۱۳۷۸/۱۲/۸، نامه‌ی درونی (افراز) شماره ۵ تابستان ۱۳۸۲
- ۲- مجله ایران مهر، شماره ۳ و ۴ مهر و آبان ۱۳۸۲ ص ۶۶ «خلیج همیشه فارس»
- ۳- نقل از ص ۲۳۷-۲۳۵ کتاب ناگفته‌هایی در زندگی سیهید قرنی - ص -
- ۴- ص ۲۳۵
- ۵- ص ۲۳۹
- ۶- ص ۲۳۵
- ۷- ص ۲۴۰
- ۸- ص ۲۴۳
- ۹- رجوع به متن اعلامیه
- ۱۰- ص ۲۳۵ همان کتاب
- ۱۱- ص ۲۶۴
- ۱۲- ماهنامه ایران مهر، شماره ۵۶ دی ماه ۱۳۸۲